



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

حمید انوری

چهارشنبه ۲۰ اپریل ۲۰۲۲

## افکار پرچمی و جامعه افغانی

اصل عنوان "افکار طالبانی و جامعه افغانی" بوده است که توسط فرد معلوم الحال و سرسپرده نجیب گاو "پرچمی- خادی"، روی سپید کاغذ را سیه کرده است.

نوشته های متحدالمال این قماش افراد و اشخاص امتحان داده و ناکام مطلق مانده، هرازگاهی از این یا آن سایت "بی غم باش" و "به مه چی" سر بیرون میکنند و فقط باعث تهوع و استفراغ می شوند و دگر هیچ. این نوع جفنگیات درست به منزله مگس عمل میکنند که به غیر از دل بدی و اشمئزاز، حاصل دیگری ندارند. بدا به حال آن سایت ها که برای یک مشت پرچمی زاده، حکم حلوا دارند و دور آن جمع اند به سر سر خود زده راهی هستند. اما کجاست چشم بینا و وجدان بیدار. چه خوش گفته بود باری زنده یاد پروین اعتصامی:

مگس بر خوان حلوا کی کند پشت به انجیری غرابی چون توان کشت

این مختصر را می خواستم به همین جا خاتمه بخشم، اما حیفم آمد تا به پرچمی زادگان دیده در و وجدان مرده و شرف باختۀ چون "میرزاده" ها و "ازهر" ها چند قفاق محکم دیگر حواله نکرده و بروم و حرمان به دل باقی بمانم و بعداً با خود بگویم که "خودم کردم که لعنت بر خودم باد". در حقیقت اگر چشم بینا بود و وجدان هنوز زنده و از حق نگذریم، این فقط افکار پرچمی، یعنی جاسوسی، شرف باختگی، وطن فروشی، وجدان مردگی و ناموس لیلای بود که باعث و سبب به وجود آمدن، افکار افراطی دیگر، به شمول افکار به اصطلاح "طالبانی"، در سرزمین بلا دیده و ملا رسیده ما گردید.

اگر پرچمی زادگان بی هویت و خودفروش، خود و فامیل های خود را و اعوان و انصار خود را در میدان سرخ ماسکو به لیلای نمی گذاشتند و کودتای منحوس و خونین و ننگین هفتم ثور را با کمک مستقیم پیلوتان روسی، در کشور آبائی ما به راه نمی انداختند و موجبات تجاوز وحشیانه

عسکر روسی را به کشور ما فراهم نمی کردند، نه افکار ملائی و نه هم افکار "طالبانی" را در جامعه ما یارای سربلند کردن می بود، پس باید گفت که خود تان کردید که لعنت بر همه تان باد. افغانستان در بند کشیده شده و مردم مظلوم و بی دفاع آن و در نتیجه جامعه جنگ زده افغانستان، هر ظلم و ناروا را که تجربه میکند و هر زجر و شکنجه که میکشد، و هر داغ و دردی که در چهل و چند سال پسین بر آن مستولی گردیده است و... همه و همه حاصل طرز تفکر منحط "پرچمی" زادگان است و دگر هیچ.

پس ای "میرزاده" ها و ای "ازهر" ها تا وجدان مرده در تن بی مقدار شماها و امثال تان بیدار نشود، تا شما انسان نماها، آدم نشوید، تا به این نتیجه منطقی نرسیده اید که "آب از سر چشمه گل آلود" بوده است و در نتیجه نمی شود از آخر جوی آب صاف و گوارا نوشید، دنیا همین گونه به صورت دائره وار در چرخش بوده و تمام ظلم و جنایات، تمام بدبختی و آوارگی و بیچارگی و تمام درماندگی و بدبختی و تجاوز و تعدی و شکنجه و چور و غارت و تمام نابسامانی های افغان ها و افغانستان، برمیگردد به همان کودتای منحوس و خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ و مرحله ننگین آن، یعنی تجاوز بی شرمانه اربابان روسی شما پرچمی زادگان و میهن فروشان قرن که لعنت خدا و نفرین خلق خدا بر همه تان باد!

افکار "طالبانی" جامعه امروزی هم، حاصل همان افکار "پرچمی" است که کشوری را بر باد داد و مردمی را آواره و بدبخت و بیچاره کرد.

جا دارد ناگفته نگذیریم که جفنگیات "میرزاده"، از آغاز تا انجام، هر چند به خواندن نمی ارزد و ضیاء وقت است و به غیر از یک مشت چرند چیز دیگر نیست که نیست، اما همه و همه به یک نوع یا نوع دیگر، اسلام ستیزی و دین ستیزی است و دگر هیچ. این قماش افراد شرور و وجدان مرده و شرف باخته با دین ستیزی و تفرقه اندازی و توطئه گری خو گرفته اند و نمی شود از آنها در روز های پسین عمر ذلت بار شان، توقع اصلاح داشت، پس بهتر آنکه برای شان یک مرگ تدریجی و درد آور و در انزوای کامل آرزو کرد.

سطور مختصر فوق نه تنها خطاب به "میرزاده" ها و "ازهر" ها است، بلکه خطاببست به همه پرچمی ها و خلقی های زیردار گریختگی. صمدک زهر هم، همدران سایت چرند نامه دیگری را رقم زده است تحت عنوان "له مغلگی نه تر سپیری او له پاکستانه تر تاجیکستانه"، که هر رد و بدی که بوده است به پاکستان و از روی ناچار گاهی هم به تاجکستان حواله کرده است که حق هم دارد و در آن جای هیچ شک نیست، اما او هم منبع و اصل و منشاء آنهمه ظلم و ستم و دخالت و شرارت

و رذالت و جنایت و وحشت و دهشت و...، را که همانا رو سیئه شوروی وقت بوده است، دیده به دانسته و از روی جبن و خفت و سرخمی و خودفروشی، هرگز تذکر نمی دهد.

چراغ ظلم ظالم تا دم محشر نمی سوزد  
اگر سوزد شبی سوزد، شب دیگر نمی سوزد